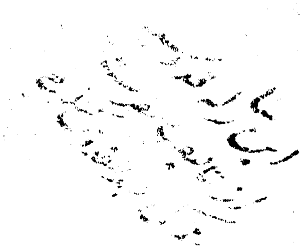
رسالهٔ قدوسیه

عبدالقدوس گنگوهیؒ

(سنہ ١٢٤٣ھ)



۱۹۹

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بی نهایت و ثنای بی غایت مر پادشاهی را که
وجود را از کتم عدم در صحرای ایجاد و از عالم [illegible]
رسانید [illegible] بر ارواح و ارواح [illegible]
[illegible] براموز صنایع او
خلقناکم عبثا به بازی [illegible] نشمرد او [illegible]

[illegible]

وبه نستعين [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خلق الانسان في احسن تقويم

وجاعل في الارض خليفة

[illegible] اهل اسلام [illegible] انوار [illegible]

صبح الدم

هو علی نور محمد و ارواح نفر اتما روا

النفس الامارة بالسوء سلام نور و

روا ... راه چون ارواح ... کا ز ار

... اسما و صفات ... و مر یا

... حاجت ... دو صفت

لا اله نفسه داد و ... آزرد

که در حالت ... الا الله ... و

... در ... ایام موحد

الا الله ...

صدق ...

نور و ظلمت . آدم تو در عالم

و آباء ما را که او یافته بی من کشند و اینکه وعده بیشتر از تو نقد

وقت است ... دیگر از او وعده گر فردا ...

... تو همه بیا رو آ ... بسیار ...

راه تو عاقل اوست ... غیبت و ...

... و مرحبا ...

... ما زاغ البصر و ما طغی

و مرحبا ... انعام او قاب قوسین او ادنی است

... یار کوی ... صلی الله علیه ...

... و من دونه تحت لوائی

ولا فخر آدم و او صفا و عالم و عالمیان ...

چیستم ... ملک ... و ...

در حضرت ... و علم ... در ... اللہ ... را

... رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ... جمال ...

... محمد رسول اللہ صلی اللہ

... وَاَنَا نبی السیف ...

... مشرق ... مغرب ... ملک ...

قال علیہ الصلاۃ والسلام ...

فاریت مشارقها ومغاربها ... ملک

... حدیث ... و ...

... لا یمسه الا ... 16

تزکیہ نفس و تصفیہ قلب ... کما ... شان ... اللہ

باره ... مناقب

[illegible] کتاب [illegible] الیعمر [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] علمای امتی [illegible]

[illegible] کالبحل [illegible] ایشان است [illegible]

[illegible] نجوم [illegible]

[illegible] جمیع [illegible]

کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم

[illegible] رضوان الله تعالی علیهم اجمعین

وبعد [illegible] حقیر خادم فقرا الله [illegible] عبد القدوس

[illegible] الغزنوی [illegible]

[illegible] الاقطاب تاج الاولیاء [illegible] الاصفیا سلطان العارفین

برحال ...

السیر [illegible] وقت [illegible] تا خود را از رخسار [illegible] ظهور کرد و روشنه
مسیر [illegible] هر یک که [illegible] مراتب الحجب و هر [illegible] عهد [illegible]
وارث الیقین [illegible] بوده است به عجائب صورت مشکل [illegible]
مدید به یکدیگر [illegible] از [illegible] ساختم و یکدیگر [illegible] و تشبیه در [illegible] ودور
تا ختم [illegible] معراج معیت در مقام محبوبیت از بر آید و [illegible]
حالت دیگر [illegible] ما خوب خود در هم آمد و باز [illegible] از دم
19 بر آید و حالت یومئذ تحدث اخبارها
بان ربک اوحی لها سر بر زد [illegible] بعضی از
مقامات دو دنیا [illegible] عارفان این راه و مقامات [illegible]
این درگاه [illegible] در مقامات [illegible] و در سلک [illegible]

[illegible]

بیا مقدم

مراد

[illegible] روز [illegible] شد [illegible] صدرت

[illegible] که [illegible] بیا [illegible]

و [illegible] حسبی الله ونعم الوکیل ونعم

المولی ونعم النصیر [illegible] مسیح [illegible]

[illegible] فرمان یا ایها النبی جاهد الکفار وا[illegible]

[illegible] رسول حضرت صمدیت [illegible]

[illegible] طلبان احدیت [illegible] صمدیت [illegible]

[illegible] یا ایها النفس المطمئنه

[illegible] ربک راضیه مرضیه

[illegible] جهاد [illegible]

[illegible]

غالی القدر [illegible] آصف [illegible]

دام [illegible] العین [illegible] از

باسلامی [illegible] واحد [illegible] کلک و

[illegible] بود [illegible] و [illegible]

[illegible] تنبیت در زما واحد [illegible]

و ما [illegible] البلک [illegible] در [illegible] تفاوت

متبارز [illegible] صد مال الامال را از حضرت [illegible] نثار

لایزال بودی و از روی [illegible] عبارت [illegible]

[illegible] بهره [illegible] غالب [illegible]

[illegible] مبارک و مساعده [illegible] این [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فاعلم انه لا اله الا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] معروف حال [illegible]

دیار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] هل لنا

[illegible] الله صلی الله علیه وسلم [illegible] عایشة

رضی الله عنها [illegible]

[illegible] رسول الله [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

حديث عائشة رضي الله عنها

كانا عائشة فقال رسول الله صلى الله عليه

وسلم ... بنته قالت ... بالله

رسول الله صلى الله عليه وسلم ... ابا

... فقال رسول الله صلى

الله عليه وسلم ... عائشة رضي الله

عنها ... الرسول صلى ... عليه

و... الله عنه ...

... فان ...

بسم

يا محمد ... رسول ...
وسلم ... وقال ... هذا
الله ... وسلم ... فاحتج
رسول الله صلى الله عليه وسلم ...
... يا رسول الله
... الرسول الله صلى الله عليه و...
فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ...
... لا ينبغي فيه ما كان ...
ولا ... فضل الا ...
... ومات ...

سر از در ... آمد ... بیا ...

خدای ... تو ... آمد ... تا ...

التائب من الذنب كمن لا ذنب له

... ایمان ... بگوید که انه هو التو

اب الرحیم ...

... حضرت ... انه هو الغفور

الرحیم ...

... بود ...

... آمد ...

... آمد و ... بود

به زودی [illegible]

ابیات [illegible] این [illegible]

چون [illegible] مهر [illegible] جهان

[illegible] پیش [illegible] نقش [illegible]

داد و جهانم گرفت [illegible] نقش ز روی جهانم گذشت

[illegible] پدر از شوق [illegible] جهانم گرفت

[illegible] چشم جهان [illegible] در همه آفاق عالم [illegible]

[illegible] بحر وجود از جهان گذشت

روشنی روز [illegible] وهم [illegible]

ظلمت [illegible] زان [illegible]

[illegible] را از خدا جهانم گرفت

[illegible] بود [illegible] نمود

صحیح [illegible] چون [illegible] نشستم [illegible] گفتم [illegible]

احمد یاد در دو [illegible] بر [illegible] و [illegible] بیرون [illegible] رفت

و تمام ایوان خدمت [illegible] انوار [illegible] اسرار الملکوت بهشت

معنوی مهیا [illegible] در [illegible] بر دستگیر حضرت

شیخ العالم حضرت شیخ احمد عبد الحق رضی الله تعالی عنه

حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible] بشارت [illegible]

حضرت شیخ العالم قدس الله روحه [illegible] از [illegible]

حضرت شیخ [illegible] قدس الله سره [illegible] آخر [illegible] بود [illegible]

[illegible] ما [illegible] بکار تهجد مشغول [illegible] چو [illegible]

مهر [illegible] خواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ العالم [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

چون شیخ محی الدین ابن عربی علم ظاهر از حضرت شیخ الاسلام [illegible]

اسعد [illegible] آموخته [illegible]

علم معرفت خدای تعالی [illegible] شیخ تقی الدین را از

حضرت شیخ الاسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

و چون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در حال [illegible] حضرت

حضرت [illegible] قدس الله سره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در دنیا [illegible] نام و شفقت [illegible] عطا [illegible]

که [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] مشتاق [illegible] وعده [illegible]

[illegible] از سر حال این بیت [illegible] محمد [illegible]

[illegible] خواند [illegible] شکر در روز قیامت خواهم

[illegible] بجوار [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible] خواجه [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] معیت حق [illegible]

حضرت [illegible]

[illegible] کار [illegible]

[illegible] بسیار [illegible]

لطف [illegible] احمد [illegible]

[illegible] تقی الدین فرموده‌اند [illegible]

[illegible] هزار [illegible]

[illegible] شیخ العالم قدس الله سره را

[illegible]

[illegible] احمد بن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسیح العالم

و [illegible] شیخ [illegible] سے اندیشہ

[illegible] کردند و بحال [illegible]

فراموش کرد [illegible] و درعلم مشغوف

است که ازما [illegible] علم [illegible]

[illegible] مسیح العالم [illegible]

[illegible] خواستگار [illegible] حضرت

[illegible] قدس سره [illegible]

[illegible] [illegible]

مسماة دختر [illegible]

[illegible]

[illegible] عشق [illegible] با [illegible]

[illegible] مسند شیخ الدین [illegible] خلیفه بود و حضرت شیخ

العالم قدس الله سره [illegible] از [illegible] دهند در اینجا

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله

[illegible] شیخ [illegible] با [illegible] در

[illegible] شیخ الدین احمد پای [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] در سلک [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله

[illegible] سره [illegible]

[illegible]

بسیند و براخ

و بعد ازان در ... عالم مشهور ... ماسط

بود باشند در مقام ... با پسر حضرت شیخ الله داد قطب

الله دیبا حضرت شیخ جلال الدین و پسر ... حاصل

شد شیخ المشایخ شیخ مبارک ... قدس الله سره حضرت

شیخ العالم قدس الله سره را با حضرت ... بزرگ

ارادت قبول فرمودند و طاقیه از سر خود کشیدند بر سر حضرت

شیخ العالم قدس الله سره نهادند و ... فرمودند ...

و چندان کرم کردند که در ... تقریر نیاید ...

شیخ العالم قدس الله سره بعضی مریدان شیخ جلال

سره را ... نیاکر ... شتند و ... آوردند ...

[illegible] در سر [illegible] آمده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible]

[illegible] قدس سره [illegible] آمده

[illegible] پیوستن [illegible]

[illegible]

[illegible] کردی [illegible]

و از ملک کلام کردی حضرت شیخ الاسلام [illegible]

[illegible] همین است الا انکه [illegible] از حضرت شیخ

قدس الله [illegible] الا [illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام قدس [illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام [illegible]

[illegible]

بر حضور [illegible] احمد معشوق [illegible]

شیخ جمال الحق والدین قدس الله [illegible]

[illegible] شیخ محمود [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] بدر الحق و الدین [illegible]

و شیخ [illegible] وصول [illegible] والدین [illegible] الیها [illegible]

محمد [illegible] شیخ العالم [illegible] الله سره [illegible]

حضرت شیخ العالم قدس الله سره رسید و در [illegible] پای [illegible] ارشاد

[illegible] شیخ [illegible] والدین قدس الله سره [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره

[illegible] شده و [illegible] فرزند [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] پیوسته شیخ [illegible]

[illegible] قدس الله سره [illegible]

[illegible] طبقات [illegible] حضرت

[illegible] بود و چون از بعد [illegible] بود در [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] الحق والدین [illegible] حضرت شیخ [illegible] الله

سر [illegible] طلبید [illegible] و پیش خود [illegible] و بعضی [illegible]

نیز حاضر [illegible] خادم را [illegible] فرمودند آنکه [illegible]

[illegible] بعد از دست [illegible] کند [illegible] روز [illegible] از عمر

[illegible] بود [illegible] بعضی [illegible]

و [illegible] شیخ جلال الحق والدین قدس الله [illegible]

[illegible] مشهور [illegible] الله [illegible]

الله حضرت شیخ [illegible]

[illegible] از حضرت [illegible]

چه ... از ... وجود ...

شیخ الاسلام ... قدس الله ...

وحدت ... ان فی خلق السموات

... واختلاف اللیل والنهار ...

در ... الله نور السموات والارض

حضرت شیخ العالم قدس الله سره ...

العالم قدس الله سره ...

... از ...

حضرت شیخ ...

...

...

حضرت [illegible] شیخ [illegible] بالله و الدین قدس سره

[illegible] مشهور حضرت شیخ [illegible]

[illegible] آمدند و [illegible] بجانب [illegible] اجتناب [illegible]

چون [illegible] آمد آنجا حضرت شیخ العالم قدس سره [illegible]

در [illegible] با [illegible] الدین [illegible] شد و [illegible] اجتناب [illegible]

[illegible] و [illegible] تا [illegible] [illegible]

آنکه [illegible] و [illegible] و [illegible]

تا [illegible] حضرت شیخ [illegible] و [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] شیخ العالم قدس سره [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

قدس الله سره [illegible] فرمود [illegible]

آراسته گرداند [illegible] نماید [illegible]

[illegible] شیخ الاسلام قدس سره [illegible]

سره [illegible] فرمود [illegible]

[illegible] است [illegible] آلوده [illegible]

[illegible] شیخ جلال الحق والدین قدس الله سره فرمود

[illegible] قدس الله سره [illegible] خود [illegible] فرمود

[illegible] غذای پاک است [illegible]

و [illegible] پاک [illegible]

[illegible] پاک [illegible] و [illegible]

باب پنجم [illegible] در [illegible]

در بیان آنکه [illegible] [illegible] بسبب [illegible]

آنگاه حضرت شیخ العالم قدس الله سره باطمینان قلب

شکستن [illegible] بعض آیه الحمد لله الذی [illegible]

از حضرت شیخ العالم قدس الله سره آنکه در [illegible]

عورتی بیوه نام او بیبی فاطمه بود آن عورت [illegible]

وارسته که [illegible] تا [illegible] آن عورت

بحق [illegible] بود و از اولیای [illegible] بود و حضرت شیخ [illegible]

قدس الله سره را [illegible] و بفرزندی [illegible]

حضرت شیخ العالم قدس الله سره را [illegible]

اتفاق [illegible] در خانه بیبی فاطمه [illegible] حضرت شیخ

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آن لحظه رسید ... ...

چند کسی چون شیخ العالم قدس سره ...

آمده ... دیوانی ... که ... اند ... ...

... دیگر را حضرت شیخ العالم قدس الله سره ...

خود خورده ... یکبار روز ... ...

خراسان دراز قد و سپید ریش ... ...

... لطف ... ولایت ... ...

آمده ... ولایت ... ...

ناگاه ... ... فرموده ... احمد ...

ضعیف ... ...

رسید حضرت شیخ العالم قدس الله سره فرموده ...

در بخارا بخدمت [illegible] چند وقت

[illegible] با خدا [illegible]

شد [illegible] از [illegible]

قدس الله سره [illegible]

[illegible]

[illegible] چند روز گذشته بود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شیخ الاسلام قدس الله سره در خیال [illegible]

[illegible] چه [illegible]

ملاقی نشد [illegible] وقتیکه چه [illegible] دیوانه
پیش شیخ ما بود [illegible] شد دیوانه گفت آمده [illegible] بیمار
[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره فرمودند که
ساعتی صحبت دیوانه گفت ما نیز می آییم بعد حضرت
شیخ العالم قدس الله سره باز در خانه خود آمد چه بیند
که در خانه شیخ نشست و دیگر [illegible] همچنان [illegible]
[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] [illegible] فرموده [illegible]
[illegible] فرموده لمن الملك اليوم
لله الواحد القهار نقلست که حضرت
شیخ العالم قدس الله سره از شام دریا [illegible] آمد

آمده ... [illegible] حضرت ... بعد از وفات حضرت

شیخ سلطان الحق والدین قدس الله سره بحضرت خدمتگار

حضرت جلال الحق والدین قدس الله سره پیوسته

[illegible] هر چند [illegible] کوه [illegible]

[illegible] طغیح آورد شیخ العالم قدس الله

سره را دادند و فرمودند ای عبدالحق [illegible]

[illegible] نازل شده است حضرت شیخ العالم قدس

الله سره [illegible] شد چند نفر از [illegible]

[illegible] در [illegible] رفته [illegible] شیخ احمد

الله سره فرمودند [illegible] ما [illegible]

حضرت شیخ العالم قدس الله سره در [illegible] آمدند

[illegible] بسم [illegible] الله [illegible]

[illegible] نیست [illegible] بیرون [illegible]

[illegible] آمدند و گفتند [illegible]

[illegible] حضرت شیخ الله [illegible]

قدس سره [illegible] زگفتن [illegible]

[illegible] تا ما [illegible] بگفتند

[illegible] بهشت [illegible] نماز [illegible]

که [illegible] الله تعالی [illegible]

مقام [illegible] مقام [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره

فرمودند [illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] اعبد

الله تعالی کانک تراه [illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible] و رفتند و نوشتند

و کار این فقیر را [illegible] فرمایند [illegible]

[illegible] و آنچه از همه فاضل و [illegible]

[illegible] از همه فاضل و

[illegible] [illegible] در اسیر

[illegible] و ملاقات کردند از شنیدن کلمات شوق به ربط [illegible] نمایند

[illegible] قدر [illegible] باد و باجه [illegible] شد [illegible]

دولت حضرت شیخ العالم [illegible] از علما معرفت [illegible]

[illegible] دفرمودند [illegible] دانشمند بزرگ

[illegible] و آورده [illegible] از عشق این طلب [illegible] آمده ام

[illegible] خانه [illegible] حضرت شیخ [illegible] قدر

[illegible] رسید [illegible] و [illegible] باز آمد

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

[illegible] و گفت [illegible] علم [illegible] کردم

[illegible] [illegible] کردم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بخور از [illegible] ریشه باد [illegible]

در فرزند سلطان [illegible] از روی [illegible] رفته [illegible]

[illegible] بوده [illegible] [illegible] [illegible]

در بیماری [illegible] ملک [illegible] کردند [illegible]

سلطان [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] نعمتها [illegible] در شهر [illegible]

[illegible]

[illegible] باز آمد و روز [illegible]

دیگر [illegible] قلندر [illegible]

از آن دولت [illegible] کردند [illegible] در سلطان [illegible]

و [illegible] حضرت شیخ الاسلام [illegible]

و [illegible] پیاده [illegible] در معلق بروده و [illegible]

سلطان چون [illegible] و بسیار [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] و [illegible] بسر کرده [illegible] دست [illegible]

[illegible] کلیسه [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] شیخ العالم [illegible] السلطنت [illegible]

و [illegible] که گروهی از آن دیوانه را برابر [illegible] سلطان را

بردند و نشستند و تا آن [illegible] منظوران حال

او و [illegible] مجلس حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

از این [illegible] و چون [illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] دیوانه سلطان [illegible] و [illegible]

[illegible] در وقت [illegible] گفته و [illegible]

را مجهول گشت که بعد بیست [illegible] [illegible] و ۷۱

وکتب آداب حقیقت را تمام نبود و درخواست

تا وقت شیخ المشایخ قطب العالم نور الحق و الدین

التماس کنند در خاطر آورد روشن ضمیر قطب ایشان [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] با جمع گفتند که پیش کتاب [illegible] [illegible]

[illegible] مطلوب معشوق آنکه [illegible] [illegible]

و شیخ نور الحق والدین قدس الله سره [illegible] [illegible]

[illegible] بود با جمع [illegible] آن [illegible] بود حضرت

شیخ الاسلام قدس الله سره آنجا که به خانه [illegible] شیخ نور [illegible]

[illegible] [illegible] با جمعیت شیخ نور الحق والدین قدس

۱۴۵

[illegible]

پرسیدم که مناجات [illegible] شیخ [illegible] فرمودند حضرت

[illegible] این شعر [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خوش [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible] [illegible]

روزی میگفتند [illegible] غیب [illegible] و [illegible]

[illegible] و روزه [illegible] [illegible]

کسی که [illegible] یافته اما [illegible] خانه

خود طلب [illegible] میکردند [illegible] یافته [illegible]

[illegible] و میگفتند ای محمد [illegible] [illegible]

[illegible] عالم میکردند [illegible] طلب [illegible] [illegible]

رسید [illegible] بمقصود

[illegible] بمقصود با [illegible] و تکبیر [illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible] از ولایت [illegible] فرمودند

ازانجا [illegible] و [illegible] ولایت [illegible] یکجا [illegible]

آن موضع از شهر [illegible] بازگشتند و سوی [illegible] آمدند

در شهر [illegible] رسیدند [illegible] بود و [illegible] ایشان ببرد [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] علاء الدین میگفتند [illegible] بماند [illegible]

[illegible] میگفتند [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] علاء الدین [illegible]

خود [illegible] دستگیر [illegible] پدید آمد [illegible] حضرت شیخ الاسلام

شیخ ابوالقاسم [illegible] را ارادت و دوستی تمام بود

شنید و فرمود که با ابا القاسم [illegible] هیچ چیز بد وقت

خوش [illegible] شیخ [illegible] با خود [illegible]

و [illegible] شده [illegible] سلوک [illegible] و [illegible] را دوست

و [illegible] شیخ ابوالقاسم [illegible] را [illegible]

و فرمود که با ابا القاسم [illegible] هیچ [illegible] بد وقت [illegible]

که [illegible] این [illegible] چنین فرموده [illegible]

حضرت [illegible] ابوالقاسم قدس الله سره با جمع فرمودند که

[illegible] حضرت [illegible] می‌گویند و [illegible]

[illegible] معتقد [illegible] و [illegible] فایده

خود و [illegible] از [illegible] حال [illegible]

و در طلب قضا خود دار رجا نو وده کسی پیش بروند بخانه

حکایت احمد لزر رسید که جز منصور ی با بی کلام از مردمان

همه با بابا که نوک از مردمان حضرت شیخ العالم قدس سره

بعد چند سال بمقابر کمبر او و در روز گشتن میان

در رشت صحرا و در بیابان آن در در شهر عجز قبر او را از

و میگفتند یا حافظ یا هادی یا هادی چون

مدتی بر آن حضرت شیخ العالم قدس الله سره گفتند

از کرامت بیچو مرد کاغذ بزند که در قبر او را و

چون حضرت شیخ العالم قدس الله سره خود قبر او را دیدند

و او را قبر بزند و حجره ای ... چند و از دیده

دنیا چند شدند و مشغول گشتند تا مدت شش ماه حضرت 15

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علیه لا اله الا انا [illegible]

[illegible] اذا تجلی الله

خضع له [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ العالم [illegible]

[illegible] بود [illegible] آماده [illegible] آنچه آورد حضرت

[illegible] آماده [illegible] کرده

[illegible] از طلب فرمود [illegible]

[illegible] طلب [illegible] دعا [illegible]

[illegible] جمعه [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] گفتند حضرت [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible] شیخ فتح الله [illegible]

[illegible] بگوید چه [illegible] شیخ فتح الله

[illegible]

[illegible] وقت [illegible]

[illegible]

علیکم بالمجاهدة [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] شیخ فتح الله [illegible]

الاشتغال بالخلوة السبعینیة

فی سنة الثانیة و حسنه واللطف

واللطائف بشان آخر [illegible]

مشهور است و الله اعلم آنکه حضرت شیخ العالم [illegible]

[illegible] شیخ زین الدین [illegible] رفتند و شیخ [illegible]

[illegible] در [illegible] آورد [illegible]

و [illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

آمد [illegible] آورد [illegible]

[illegible] گرفته [illegible]

[illegible] و [illegible] داد [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

[illegible] زین الدین [illegible]

دل یافت [illegible] شده باشد بعده حضرت شیخ نور الدین [illegible]

[illegible] چون از دو شکایت شیخ [illegible] گفته اند [illegible] محمد [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] قدس الله سره [illegible]

[illegible] بود [illegible] دنیا [illegible] دنیا [illegible]

[illegible] دنیا [illegible] حضرت شیخ [illegible]

قدس الله سره [illegible] از شیخ زین الدین [illegible]

[illegible] و گفته [illegible] شیخ [illegible] خواهم [illegible]

[illegible] بعد از رفت شیخ زین الدین گفته اند [illegible]

[illegible] الغرض حضرت شیخ الاسلام قدس [illegible]

[illegible] مشغول [illegible] خواهند رفت

شیخ زین الدین [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] رنج [illegible]

[illegible] شاه [illegible] چند [illegible]

[illegible] بود که شیخ زین الدین [illegible]

چون پیوسته‌اند و بعد فوت شیخ زین الدین خوافی [illegible]

[illegible] فرزند شیخ زین الدین بکار رفت و حال

[illegible] رفت و منقلب گذاشت [illegible]

که حضرت شیخ [illegible]

[illegible] آمده بود و [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] جمال الدین [illegible]

[illegible] نشسته که حضرت شیخ العالم قدس سره [illegible]

[illegible] آن در حضور [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] و [illegible] بسیار و [illegible]

[illegible]

[illegible] که بعد از [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible] گفت [illegible]

[illegible] خود [illegible]

شیخ العالم قدس [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

نیک باشد که الی الآن نوکات را طلب نمی فرمایند

و صحبت چهار درویش [illegible] سلسله [illegible] در رسول و [illegible]

[illegible] زراعت [illegible] رسانید [illegible] گردانیده

خود انداخته و چیزی که [illegible] و طعام از [illegible] مسلمانان است

به حضرت شیخ الاسلام [illegible] قدس سره [illegible] عرض آورده [illegible]

و گفته [illegible] حضرت مخدوم [illegible] در حق شما چیزی

گویم [illegible] در حق کسی [illegible] و گفته حضرت شیخ

قدس الله سره [illegible] آب قاضی [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] قاضی [illegible] حضرت مخدوم [illegible]

فرزندان شما چهار [illegible]

[illegible] فرمان و تحت [illegible]

[illegible]

[illegible] کلمه لا اله الا الله محمد رسول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چه شکل [illegible] و عجب راز را [illegible]

که [illegible]

[illegible]

[illegible]

هم [illegible]

[illegible] رفت [illegible] در آنجا [illegible]

[illegible] و [illegible] شهاب [illegible]

[illegible] از [illegible] فات [illegible]

[illegible] حکایت [illegible] شیخ الاسلام [illegible]

[illegible] العارف [illegible]

شهاب الملة والدین [illegible] یا [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] علم [illegible] که عالم [illegible] است [illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible] بیت [illegible]

[illegible] حضرت العارف [illegible] شهاب الدین [illegible]

[illegible] و اتفاق [illegible] در حضرت شیخ العالم قدس

سره [illegible] و این حکایت [illegible]

تا میر صدر جهان بشنود محبوس شد و [illegible] شب
چون [illegible] گشته با حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره ملاقات شد
این شیخ در زاوله [illegible] گفت که ما [illegible] و [illegible]
[illegible] ما [illegible] صحبت ماند [illegible] و کلام شیخ
[illegible] پیر [illegible] شده دو [illegible] صاحب حال و اهل کمال
نظر او [illegible] خلق [illegible] که حال [illegible] کمال و [illegible] رساله
[illegible] و از [illegible] چهار [illegible] محمد و [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] و نزد حضرت شیخ الاسلام قدس الله
سره [illegible] پور در رسید [illegible] و از [illegible]
[illegible] مخصوص [illegible] و او معتقد حضرت [illegible]
[illegible] بود او را [illegible] حضرت شیخ الاسلام قدس

[illegible] و [illegible] حسن [illegible]

[illegible]

[illegible] عالی [illegible]

در [illegible]

[illegible] آورده که [illegible]

در بعضی سر رقعه‌ها حضرت شیخ العالم قدس سره [illegible] از [illegible]

حضرت شیخ العالم قدس الله سره و [illegible]

در حال فاتحه [illegible] و دیگران [illegible]

[illegible]

و [illegible]

الحمد لله [illegible]

در تعریف ... [illegible]

ابو سعید ابی الخیر [illegible] الله [illegible]

گرد ... ما ... [illegible] مسکر ما روث

[illegible] الکاره ... [illegible] سر

[illegible] ... [illegible] و الفاظ ...

[illegible] ... [illegible] داد و شد ... [illegible]

آورد ... [illegible] ... [illegible] و ما و ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] بود [illegible] گنبد [illegible]

حضرت شیخ [illegible] قدس الله سره [illegible]

[illegible] قدس سره [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible] قدس سره [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] تا زیارت [illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره [illegible]

بود [illegible] حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره [illegible]

[illegible] گنبد [illegible]

[illegible] بود [illegible]

[illegible] گنبد [illegible] آمده است [illegible] زمین [illegible]

بنده جو رحیم الرحمن چون گندها باز بست روزید

شیخ العالم قدس الله سره [illegible] از نام الیاس بن [illegible]

بود چون برخود برده و عهده دار آخر [illegible] اخلیفه و شیخ

بیست گله زمین در [illegible] تولیت برداشته نوشته دو شاه

کرده و [illegible] و شیخ سلیم عهده [illegible] آن [illegible] در حق [illegible] اخر

[illegible] و [illegible] و محمد نگار [illegible] و عهده و آبادانی [illegible]

کرده [illegible] داماد حضرت شیخ العالم قدس الله سره

بحضرت شیخ العالم قدس الله سره آمده و [illegible]

مکتب [illegible] و محمد [illegible] بهانه [illegible] در حضرت

شیخ العالم قدس الله سره [illegible] نوشته داده [illegible]

عرض کرد [illegible] نوشته داد حضرت شیخ العالم قدس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ [illegible] عالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاکبر [illegible] فرمودند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... از اتفاقات حضرت مخدوم

... حضرت شیخ الاسلام ... شد ...

و ... محمود ... بزرگ ...

بسیار ... و ...

و در حالت پاره پاره ... محمود ... بهرام

... پاره این کاغذ ...

... مشغول است که بعد از چند گاه خانه او ...

و ... اولاد او را بنیاد نماند ... از بهرام

... بازار آراسته شد و ... بهرام ...

... بهرام ... محمد ... خانه ما ...

... زمین بافته ...

را به ... شده و از یاسه بهم

... به بعضی ... او خادم حضرت شیخ الاسلام

... را بیستها دو را محمد خان ... [illegible] ... آنجا

چه ... به عرض ... داد ... و وقت ...

و ... بود و این فقیر را ... با خود ...

بیستها و ... شده بود و آن حکایت فقیر را ...

... است الغرض بهرام را محمد خان در ...

حوالی ... ملطفه ... [illegible]

... از محمد خان از ملک ... آمده ...

... بهرام ... [illegible] ... داد و ... ١٥١

... محمد خان ... بهرام سلام و دعا از حضرت شیخ الاسلام

او تعویذ ... رسانند و از ایشان حضرت شیخ العالم قدس

سره فرموده بودند به جهت ... محمد خان ...

و ... طلبید و پیش خود نشاند ... و

دست خود بر دو پای ... مرا دست و اعضا ... چه تو

تعیین پای تو با حضرت شیخ عالم قدس الله سره ازدست

... و بلوچ ... حرمت ... اندازه ...

... فرمان حضرت شیخ العالم قدس الله سره بود ...

... بهم آمد و پیش حضرت شیخ عالم قدس الله

... و بر دو دو بر پای حضرت شیخ العالم قدس

سره ... و چنانکه محمد خان گفته عرض کرد حضرت شیخ العالم

قدس الله سره مصلی برگرفتند و خاستند و فرمودند ...

با پنج [illegible] عطا است که در [illegible] شیخ العالم
[illegible] شده بود [illegible] و دیگر [illegible] از جانب [illegible]
و در [illegible] بسیار کسی رسید و دیگر از [illegible] الاحمد [illegible]
حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible] مسائل شهادت و ولی
استقامت آنحضرت [illegible] است که از تجانب باشد
و جمع ما صلکیه و البقاء الی یومنا اسم حضرت شیخ ادام الله
[illegible] و اسم فرزند حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]
با دنیا [illegible] مرحوم شده است و [illegible] معلوم [illegible]
[illegible] و شغل [illegible] که حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]
که قصه [illegible] شیخ صلاح درویش است و قبل [illegible]
[illegible] و هر است این درویش [illegible] مقام آمد

... مقام ... [illegible] ... از این خبر ... ما آنجا

... شیخ مصلح ... [illegible] ... شیخ صلاح ... رفته ...

... [illegible] ... شیخ ... [illegible] ... و ...

... [illegible] ... آمد ... [illegible] ... و ...

... [illegible] ... از قبر شیخ مصلح آواز برآمد

... شیخ احمد در حوض ... و هر دو را ... و ... بر ... خضر

... العالم ... ما را شیخ مصلح در حوض ... و

... خفتند اول وقت ... [illegible] ... دوم

... خفتند یک ... چهار پای ... فرود ...

... هر دو ... رفتند و در خانه ... آمدند و آنجا

در آن وقت ... بسیار بود و ... قصبه شیخ ... بود و ...

مقام حضرت شیخ العالم ... تا ... شده است

حکایت حضرت ... قدس الله سره روزی در خانقاه

نشسته ... بودند طرف شرق دیدند و فرمودند که ... بوده

آبادانی است تا باغ تاجو آبادی هم آخر روزی ...

رحلت ... خانقاه حضرت شیخ العالم قدس الله سره طرف

شرقی آباد ... بحمد الله تعالی ... آبادانی پدید آمد

و ... تاجو آباد شد اکنون آبادانی تمام و رواج عظیم

معمور ... است حضرت شیخ العالم قدس الله سره ... بوده

... که در صدر حیات حضرت شیخ العالم ...

که از موضع ... سوار شده ... در بعضه

افتاد که ... آمد حضرت شیخ العالم قدس سره

[illegible] و [illegible] [illegible] در [illegible] و طرف ملتان

[illegible]

قصبه [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] سرو [illegible] [illegible]

[illegible] از قصبه [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] کرده [illegible] [illegible] سرو [illegible]

[illegible] روز [illegible] و قصبه [illegible] و [illegible] آن [illegible]

شا و بعد [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] آن [illegible] ماند

[illegible] چهار [illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره

[illegible] آمده [illegible] [illegible] [illegible]

در وقتی که بیمار شده بود از اولیاء [illegible] ابراهیم

ملتمس شد [illegible] که تو را از شیخ [illegible] سلطان [illegible]

در آن وقت [illegible] را از خانه جزائی بود [illegible] قطب

اولیاء طلبیده و گفت [illegible] شیخ [illegible]

ببرید [illegible] و در صحبت شیخ احمد [illegible] الله [illegible] مبارک خود

طلب [illegible] که [illegible] و یا [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] از دست [illegible]

و بعد از آن [illegible] در خانقاه حضرت شیخ العالم

[illegible] و با [illegible] طاعت مشغول [illegible]

قدس الله سره [illegible] حضرت شیخ ابراهیم قدس

سره آن وقت [illegible] خانقاه [illegible] شده بود [illegible]

در رسالهٔ حضرت خواجه ... خرد

شیخ العالم قدس سره ... فرمود ... همانا

با یاران ... قدح ... شیخ العالم ...

شکر ... و ... حضرت ... قطب ... قدح

پیر ... و ... حضرت ... شیخ العالم

پس ... بگوید ... حضرت شیخ العالم قدس سره

... آن قدح ... فرمود ...

... بگوید و ... ساعت ...

و ... که حضرت شیخ العالم قدس

از ... مایده و فایده ... خواجه

پیر ... خطبه ... آمد و را ...

و سستی شبی بسیار بم در آن ایام که دل ما [illegible] تا

گرسنه بماند بما [illegible] را [illegible] که الفت خود [illegible] بعضی بهم

حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible] بهر خوردنی [illegible] آورد

آوردی آنها هرچه گفت باسناختی میگفت حضرت شیخ العالم قدس

الله سره و معمول بود نظر کرد بنده که در فنا فنا و حضرت

شیخ العالم قدس الله سره ستور الیها ده تا آفتاب میکرد

خواجه بنده گفت ای شیخ ستور را خدای میگوئی در حالت

فنا در علو اندر انهمه مرد حضرت شیخ العالم قدس الله سره

با جمع مریدان لفظ حق حق میگفتند و مریدان [illegible] چنین

حضرت شیخ العالم قدس الله سره را گذاشته حضرت شیخ

العالم قدس الله سره در حالت آن [illegible] بنده [illegible]

شیخ برعد [illegible] ها را داد و فرمود و بغیر از این

حالت پیش قاضی رسید [illegible] رفته شد [illegible] پیش شیخ شد [illegible]

[illegible] قاضی [illegible] قاضی [illegible] علی یا رقعه [illegible]

[illegible] خواست [illegible] قطب حاضر بود [illegible] وقت

قاضی کرشند و فرمود [illegible] یا قاضی محمود حضرت شیخ العالم قدس

الله سره پسر [illegible] و ناکفت بیت فرستادند تا

چون [illegible] معلوم کردند [illegible] ساعتی گذشته و بر

[illegible] مذکور [illegible] یا الله [illegible] و با قاضی [illegible]

شیخ العالم قدس الله سره آمد و کاره قرار داد [illegible]

و [illegible] عفو فرماید و [illegible] که تیر بهدف رسید

قاضی نا رسید [illegible] ازان [illegible] که ملک [illegible]

ذکر شیخ فرید رنگلدار با حضرت شیخ العالم قدس الله
سره شد بحضرت شیخ العالم قدس الله سره
حجره در آمده بود شیخ فرید را با رنگ ... رفتند حضرت
شیخ العالم قدس الله سره با حجره ... رفتند و او همه
حضرت شیخ العالم قدس الله سره گفتند که شیخ فرید را از
نعمت زیاده شد و ظلم میکردند ... کردند و ...
و ... خندق بود ... خندق ... دست
زده ... حضرت شیخ العالم قدس الله
سره ... میفرمودند ...
و از آنجا باز نشستند و در ... بام ...
بود شیخ آنجا مشغول شد الغرض ... حجره و از

[illegible] بدرود رفتند [illegible]

امروز [illegible] از خدمت حضرت شیخ العالم [illegible]

[illegible] امروز ما [illegible] الغرض دو یار

[illegible] برهان را [illegible]

برهان [illegible] که چون خبر انجام حضرت آمد [illegible]

[illegible] چه بشد که چنان ملک کوچ آید [illegible]

در ملک [illegible] امروز در موضع [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] ملک [illegible] آمد حضرت شیخ العالم قدس سره

[illegible] آمد و رفتند و ما از چنان ملک [illegible]

بگذارند [illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

الله سره و شیخ [illegible] با این سلطنت در [illegible] بلخی [illegible]
بود حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible] در [illegible]
به بودند و ارما سوی آن [illegible] می فرمودند [illegible] شده
جمال حق [illegible] پیوسته [illegible] در [illegible] تشنه بود
شیخ ذکریا [illegible] و قرآن شریف را [illegible] کردند حضرت
شیخ العالم قدس الله سره فرمودند که [illegible] باید خواند
و ما [illegible] شیخ ذکریا داشتند [illegible]
حضرت شیخ العالم قدس الله سره را خواب آمده [illegible]
فرمودند که [illegible] شیخ احمد خواب [illegible] درست [illegible]
فرمودند و دست بر زانوی حضرت شیخ العالم قدس الله [illegible]
[illegible] کردند حضرت شیخ العالم قدس الله سره

[illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ [illegible] شیخ الاسلام [illegible]

[illegible] شیخ زکریا رفتند [illegible] شیخ الاسلام [illegible]

[illegible] شیخ الاسلام [illegible] احباب و [illegible] نوشته

[illegible]

[illegible] پیش شیخ زکریا رفته خواستند که چیزی [illegible]

بگذارند طبیب [illegible] مانع شد [illegible] یکی از حضرت

شیخ الاسلام [illegible]

آن [illegible]

[illegible] چند روز از دنیا [illegible]

و توجه و التفات [illegible] که حضرت شیخ [illegible]

نام [illegible] محو [illegible] تعالی [illegible]

در [illegible] حضرت شیخ [illegible] آمد [illegible]

[illegible] گفت حق [illegible] پیر [illegible]

[illegible]

حضرت [illegible]

[illegible] پیر [illegible]

[illegible] آنکه [illegible]

[illegible] آمد چنانچه [illegible]

حضرت شیخ [illegible]

دیده خدا بالشکنند حضرت شیخ بر او وروا آمد شیخ

ارادت ورا از شیخ صدیق مرغان گاه ورا از ها باو بود فقط

بس حضرت شیخ العالم قدس الله سره او را دو فصل کرد

ان جا بهیر و دیگر فرمایند شکر ما گاه ورا او نیکو کند

فرمایند حضرت شیخ الاکابر قدس الله سره بول بعد بخود حضرت شیخ

بیاید و گاو بعد از پیش شیخ نجیبا هر بار بر حضرت شیخ العالم قدس

الله سره بود رفت و گفت بر هر که

کیسه ها پیش با خدا شیخ نجیبا را آمد و بشر بهر حقیقت ما

تمام پیش حضرت پیر دیگر البته و بسیاره و حرص کرد

سر از کرد ان مو تا گاو ذبح کند و او نجات آمد حضرت

شیخ العالم قدس الله سره فرمودند ای نجیبا به سبب در گاه

را الحق است حضرت لا اله الا الله و از اوست

شده دید وصلا میر سید فرست و کار آخر مرا بی بخشا که در

و کلید ابواب خیر و در گذشتم اگر روا باشد و دیگر شیخ

و سعید میرزا نقل است که حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره

روزی با اهل بیت خود گفتند که اگر خیر در حضرت معبود خواهد باید

شما نیک کار در این ماه دهوری هوشیار باشید و در استعداد و کار شوید

دهوری هوشیار گفته اند و از رسول الله حضرت رسالت چند جا برین تعبیر

روایت آمده که از انجمله احمد ابن حنبل قال حکایة عن ربه فرمانست

ابن قیم مرا از عذر کرد و گفت اگر کسی دارم ما را و ام هر را

دنیا نه بینی آریم فاما الخوف بسیار دیده ما را از رسول

پس حضرت شیخ العالم قدس الله سره را نقل است حضرت شیخ المشایخ

است حضرت شیخ نور الحق قدس الله سره نام [illegible] حضرت [illegible]

اولاد امجاد بزرگ شیخ و از ایشان شیخ محمود شاه گفتند [illegible]

روزی با اندرون حرم شیخ نور الدین در آمد [illegible] میران سید محمد

بود و با حضرت شیخ العالم قدس الله سره اعتقاد تمام داشتند

و با اخلاص تمام آمدند حضرت شیخ العالم قدس الله سره فرمودند

شیخ نور الدین دختر خود را به پسر این فقیر محمود به خواهی داد شیخ نور الدین

را مجال اعتراض نماند بحال قبول کردند حضرت شیخ العالم قدس

الله سره با جمیع مریدان و با جمیع نور الدین در حال بر قاعده نو روز رسیدند

[illegible] از عقد نکاح فارغ شدند الغرض حضرت شیخ العالم قدس الله سره

بر در [illegible] رفتند و با آن [illegible] نشستند شیخ نور الدین در دو [illegible] رفتند

اهل حضرت را طلب نمودند و گفتند تمام [illegible] هر یک [illegible]

... حضرت شیخ نورالدین محمد ... و ... شک ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

شیخ نورالدین فرمودند که ... حضرت شیخ العالم قدس الله سره

... [illegible] ... حضرت شیخ نورالدین

با جمیع ... حضرت شیخ العالم

قدس الله سره ... حضرت شیخ العالم قدس الله

سره چند ... [illegible] ...

خلیفه چند ... حضرت شیخ ... قدس الله

سره ... حضرت شیخ العالم قدس الله سره ... شیخ نورالدین

نور الدین ابن حضرت شیخ نور الدین حضور کردند التماس نمودند که
نیست میخواهند تا بعضی [illegible] حضرت شیخ الاسلام قدس سره
را [illegible] درخانه رسیدند [illegible] شیخ نور الدین بخدمت حضرت رسیدند بجهت آنکه
بر [illegible] بودند آنجا حضرت شیخ الاسلام [illegible] بودند
باز گشتند و در رفتن خانقاه آمدند و در [illegible] کربلات [illegible] بود در
دو [illegible] مشغول شدند ساعتی [illegible] که قاضی سیمرا [illegible]
شد بجهت آنکه کار بجای رسید که قاضی سیمرا در خانقاه حضرت شیخ الاسلام
قدس الله سره آوردند و کیفیت قاضی سیمرا عرض کردند حضرت
[illegible] قدس الله سره قبول نفرمودند چون نهایت شد و کار
بجان رسید شیخ بخشیار آمدند و عرض کردند که ای پیر دستگیر
قاضی سیمرا چند روز مهلت شود تا کار حضرت شیخ [illegible]

مسموع است که روزی بنام ... حضرت شیخ ابوالعباس قدس الله سره سخن [illegible] بار

فرمودند که آن معتقد آنحضرت بود و از ایشان فرقه [illegible]

دو روز دیگر [illegible] نزد ابوالعباس پیش [illegible] قدمی [illegible]

و فرمودند [illegible] کار [illegible] ترا فرستاده‌ام [illegible] باشد

[illegible] و حال ایشان [illegible] شد و در خانه خود

چون آن که شیخ الشیوخ حضرت شیخ عارف قدس الله سره العزیز

بالطف [illegible] رسید و [illegible] شد با [illegible] قدم [illegible]

شد پیش حضرت شیخ ابوالحکم قدس الله سره [illegible] کرد [illegible] نجاست

خواستند فرمودند که [illegible] رسید [illegible]

[illegible] و نجاست [illegible] بود [illegible]

وفات [illegible] که در خانه حضرت شیخ ابوالحکم قدس الله سره

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در [illegible] آمد [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جناب [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] العالم [illegible]

[illegible]

[illegible] بالسویه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حضرت [illegible] فرزند [illegible]

[illegible] رسول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بار [illegible] و [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] است در [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

گذشته و [illegible] قبول کردند [illegible]

حضرت شیخ الاسلام قدس سره ... ...

با ... محقق ... بمانند که ... البر ... و ... با ... سر ...

... الله تعالی شاد ... حضرت شیخ

... بود ... خود ... سال ... فرشته

هر طایفه را ... باشد ملا ... مبلغی از حیا که حضرت شیخ ... رفت

احمد را ... و محبت ... باد ... گفته ... فقیر ...

... آنچه ... ... رفت احمد ...

بود و ... گفت ... مبلغ ... حیا ...

حضرت شیخ ... احمد را ... ...

... ... از ... ... بود ... ...

وصف ... حضرت ... احمد را ... آمد ... بود ...

از حضرت شیخ العالم ...
... الکت ... ملک ...
...
... کن ... شیخ ...
... قال الله ...
... ملک ...
... بحمد ...
... دیگر ... حضرت ...
... با ... نا با درد ...
... بشارت ... حضرت
شیخ العالم ... نبوت ظاهر ... بافته بود ::
... قال النبی علیه السلام موتوا
قبل ان تموتوا ... حضرت شیخ
... با ... شده بود ... شیخ ...

تحول رحمت ... کرده ... صفا

حضرت شیخ الشان قدس الله سره ... دل

و منزلها ... یاد ...

چه بنشسته ... ع

شیخ الاسلام قدس الله سره با نفس فائض

و کسب ... بعد ... مقصود و مورد ... شوق

... رسیدند و گفتند ... از ...

از حضرت شیخ الشان قدس الله سره ... و از لطف ... دارند

در جلسه ... تمام ... خواهند ... و هم ...

رسیده ... آن حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره ...

... قدس الله سره ... رسیدند و فرمودند

... مقام ... باز ... فقیر ... و فقیر آگاه ...

[illegible] آورده‌اند که [illegible] عزیز شده است

چون [illegible] و نصیحت [illegible]

[illegible] بودند

که [illegible] روزی در حجره خود [illegible] بودند

شیخ نجیب [illegible] شیخ نجیب [illegible]

گفتند [illegible] شیخ نجیب [illegible]

گرد [illegible] حجره [illegible] بودند [illegible]

شیخ نجیب را [illegible] آنها [illegible]

شیخ [illegible] حضرت شیخ [illegible]

قدس [illegible] بودند [illegible]

خاک [illegible] حضرت شیخ [illegible]

بر بارگاه ملت مهر و ما آرد شاه و سپاهان قاآن … بود
به حسب آنکه حضرت به اوقات آن در کف
و بسیار اندیشه از رب … بالاشباع زیاده کار انتظار
حاصل بر آن کار نمود نیز اختصاص … بسته … بود و آمدند
… که حضرت شیخ ابوالحسن قدس الله سره … شیخ جمال
کوچکی … پرتو … آمده … شیخ تقی …
مشهور و … که بیاید … معتقد … انگشت افتاده
… و رفتند … حضرت شیخ اعظم قدس الله سره و … دستار بر چه
… رفتند … شیخ جمال کوچکی دستار در … خود
گرفتند در مسجد … ناز … حق …
والله اعلم بالصواب … جواهر … عزیز گردانید

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

101

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در [illegible] بودی

و [illegible] بود [illegible] آن [illegible] آمد [illegible]

بر حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

و البته [illegible]

و [illegible] حضرت شیخ الاسلام [illegible]

[illegible] کردند و [illegible]

و دیگر [illegible]

[illegible] یاد [illegible] در خاطر [illegible] کرده [illegible]

[illegible] کامل و [illegible]

[illegible] بر آمد حضرت شیخ الاسلام [illegible]

و ظاهر آن جا کتیبه لطیف [illegible] بود و کتیبه

[illegible] و نقصان [illegible] شیخ [illegible] تا [illegible] خود

[illegible] و نظر از زمین [illegible] درگذشتند و [illegible]

بر [illegible] ناگاه [illegible] از جنگل موضع [illegible] یافت و قد

[illegible] شد و از [illegible] خواجه [illegible] و بر حضرت

شیخ [illegible] پیش [illegible] شد و [illegible]

[illegible] در [illegible] و مسکنت [illegible] حضرت نعمت و [illegible]

و بندگان خدا [illegible] محروم و [illegible] حضرت [illegible] الله

[illegible] بود [illegible] ای [illegible]

[illegible] آن [illegible] که [illegible] پذیرفت

و [illegible] حضرت شیخ [illegible] قدس

قدس الله سره عذر [illegible] طلب [illegible] بند و [illegible]

آرد [illegible] و فرموده [illegible] ای نجیبا [illegible] خود رفتا

و لطلب [illegible] و دیگر کار [illegible] شیخ نجیبا سر [illegible] بنهاد

و با [illegible] افتاد [illegible] دور [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] آن [illegible] گفت ای نجیبا مرا

[illegible] و در [illegible] شوق [illegible] قرار [illegible]

[illegible] آرزو [illegible] و [illegible] که خواجه [illegible] شیخ نجیبا

[illegible] آتش [illegible] افتاد ناگاه [illegible]

[illegible] آتش [illegible] و در [illegible] عالم سوخته

[illegible] رسید [illegible] [illegible] فروخت

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible] بلخی [illegible]

خود شیخ [illegible] و [illegible] و نجات [illegible]

[illegible] در حال [illegible]

[illegible] آمد و [illegible] چنانچه [illegible] بود کرد و [illegible]

[illegible] از آن [illegible] دست [illegible] و [illegible]

[illegible] با [illegible]

جمله [illegible] [illegible]

[illegible] از دست [illegible] کار [illegible]

[illegible] ماند [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] سوی الله شیخ المشایخ [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

با [illegible] دوست [illegible] حضرت شیخ

[illegible] ببرباد رفت [illegible] در عالم [illegible]

[illegible] ترکیبا [illegible] کلمه حضرت [illegible]

[illegible] احمد [illegible]

در حضرت [illegible] جمال [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

فرما [illegible] رحمت [illegible] بحضرت شیخ العا[illegible]

[illegible] و همت [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] در حال [illegible] آتش سوزا[illegible]

ید و قی است یاد بر فتوح بهمت بدان گشت

و ندیم را بفوز فتوح و از رفتن در او به شیخ

تا که او در او بود بدانجا ساعت پیر دستگیر بحضرت

شیخ العالم قدس سره رسید قبول فرموده و نظر بر بست نگر رسید

در او را بست یاد و همه جا با انداخت و حضرت پیر دستگیر

خدمت [illegible] و به آستانه بجا یک خواند و پیش پیر دستگیر

بیا و بنده و از [illegible] حضرت شیخ العالم قدس سره و نظر

فرمودند و شفقت ظاهر و باطن فرمودند و فرمودند انچه یار

مکتب در او را اگر میخواهی که خود را [illegible]

9 در آن روز خود کند [illegible] بنشیند [illegible] اشم

حضرت شیخ العالم قدس سره فرمودند رسول الله

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل [illegible]

بحمد الله [illegible]

[illegible] و مالک [illegible]

[illegible] واحد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بیرون آمد حضرت شیخ ابو[illegible] رسید [illegible]

کمر فرمود و نشسته کرد و باز ارشاد [illegible]

بنشین این چاه را [illegible] باید [illegible] و از

[illegible] پا [illegible] شیخ [illegible] بر سر

[illegible] مشغول شد تا [illegible] تمام

[illegible] و از [illegible] آنجا [illegible] و از [illegible]

چاه [illegible] شیخ [illegible] این چاه را چه کار [illegible]

و از [illegible] آنجا [illegible] و این [illegible] در

[illegible] پیر [illegible] نمود [illegible]

[illegible] در [illegible] چهل [illegible] و [illegible]

[illegible] از دوستان [illegible] خاطر [illegible] فنا [illegible]

دو پیر دستگیر حضرت شیخ الاسلام قدس سره بعد

بعضی از بزرگان دانشمندان ... حل مشکلات

و معضلات از دستگیر ... او بر چه ... مناسب باشد التماس

و از ایشان در رسول صلی الله علیه وسلم و از علما ... تحفه

... بزرگ معدود و جمال و کمال شیخ نجیب ...

چیز ... بخوانند ... معدودان ما طعن چه بود

... حضرت شیخ الاسلام قدس سره روز ...

شیخ نجیب ... پیر ... مثال ... ای پیر دستگیر اگر

فرمایند ... این بنده بود ... و ... [illegible]

کرده ... از ... سودا ... دیگر پیش پیر دستگیر

... آوردند ... حضرت پیر دستگیر ... نسبت ...

[illegible] عشاق [illegible] در خانه [illegible]

[illegible] از عالم قدم [illegible]

[illegible] روزی [illegible] در با خود دلا این فکر

[illegible] با زن پیر [illegible] شد

[illegible] جز از زن پیر [illegible] بی [illegible]

که [illegible] چو پیر و [illegible]

برآورده [illegible] پیر [illegible] دوام الاحوال

جسم [illegible] ماند الغرض چیز از سودا [illegible] باز گشت

قضا [illegible] خبر یافته [illegible] این مرد [illegible]

داد [illegible] سودا جواهر [illegible]

ایشان برابر او [illegible] آمدند [illegible] او فریب [illegible]

السماوات بهتر از دود آن دیگر بیچاره [illegible] و عاقل [illegible] و

[illegible] بولایت [illegible] الیه [illegible] جزسده

در مقامی به [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] کاهی [illegible] و قدح مالا [illegible]

قدر [illegible] [illegible]

در روغن [illegible] [illegible]

بودند چون ناگزیر شدند از ما فرار بجوستان روان شدند

ما آنها [illegible] و دیگر مصاحبان [illegible]

[illegible]

[illegible] مقام [illegible]

و ازان جهان [illegible] و [illegible] شد [illegible]

[illegible] آنکه [illegible] بود [illegible]

در [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] آمده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خود را با

یاد او در حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره [illegible] عصا بر دست

گرفته [illegible]

[illegible] و از [illegible] رحمه

[illegible] شیخ الاسلام [illegible]

از [illegible] عزیمت [illegible] ایشان پرسید [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] [illegible]

[illegible] بشنید [illegible]

جهان خوش [illegible] دارم [illegible] بس [illegible]

[illegible] آری [illegible]

رشحات

8 و [illegible] شیخ [illegible] غالب

است بعد از [illegible] شیخ [illegible] اختیار

[illegible] داد و گفت این فتوح از دست [illegible] پیر [illegible]

[illegible] وفات [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] رفت و در آن [illegible]

[illegible] العالم [illegible] آمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

جناب شیخ الاسلام حضرت [illegible] عالیه [illegible]

دوست [illegible] شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲۱۱

[illegible]

[illegible]

[illegible] 95

بجا [illegible]

[illegible] العالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تا الف ب

[illegible]

دیگر از آنکه بعد از [illegible] با حضرت شیخ الاسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آید و اهم ... گفتار کیفیت

... از کیفیت

... عنفا ... ثبت

... از ... لزوم

رئی بحث ما بعالم ...

ستة ... و ... و ... بر ...

8. بحث گذشته ... بنگی در موضع ... بما

در موضع سماء الدین ... با در رفاقت حضرت شیخ ...

شده کان ... در علم ... حضرت شیخ الی

... زود ... از ... روز ...

امر ...

رفاقت و پدر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بشنو [illegible]

در قوت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

8 پیش حضرت [illegible] قدس الله سره آمدی [illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام [illegible] قدس الله سره [illegible]

[illegible] تا روزی که

[illegible] حضرت شیخ الاسلام

[illegible]

[illegible]

بعد از آن [illegible] و [illegible]

علیه السلام [illegible] حضرت

[illegible] و آن [illegible]

[illegible] هم [illegible] و ما [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] چند موضع [illegible] و [illegible] بیت آواز

بلند فرمودند که حضرت [illegible] حضرت شیخ العالم

قدس الله سره آمده در [illegible] آمده [illegible]

حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible] گفته [illegible]

دیگر [illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible]

[illegible] دروازه

... بیا ... بطلبید و سلام را اجتناب فرمود

... ضعیف است ... شنید ... العهده

چه شنید ... که بیست تا یک خبر شد در زمان حضرت

شیخ العالم قدس الله سره العزیز فرمود چگونه زیارت

حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم حاصل شد او گفت

آری از دولت ... زیارت حضرت

مصطفی صلی الله علیه و سلم حاصل ... و دنیا ...

... حضرت شیخ العالم قدس الله سره العزیز فرمود

[illegible]

[illegible] بود [illegible] همیشه [illegible] بود [illegible]

[illegible] شیخ الاسلام [illegible] بنا در [illegible]

شیخ فرید [illegible] مسعود [illegible] قدس سره العزیز [illegible]

ارشاد سلطان المشایخ [illegible] والایمان قدس سره [illegible]

[illegible] ابن [illegible]

شیخ العالم قدس سره روزی در خانقاه نشسته بودند

تاتار خان پسر [illegible] جمعه بود [illegible] در خدمت شیخ العالم قدس

الله سره آمده [illegible] ایستاده حضرت شیخ العالم قدس الله سره

[illegible] را در پیش [illegible] طرف تاتار خان [illegible] فرموده بودند در

[illegible] چند روز با تاتار خان [illegible]

وجود [illegible] بعد از [illegible] او را از زمین برده [illegible]

[illegible] دی [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت شیخ

[illegible] خود [illegible] محمد [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

که [illegible] حضرت شیخ [illegible] قدس [illegible]

[illegible] محمد [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible] در سال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

زنقوا [illegible] عالم [illegible] ... [illegible]

در [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] در [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

و [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] او [illegible] عشق [illegible] او داد [illegible]

او داد [illegible] تیغ [illegible] [illegible] او در [illegible]

[illegible] و افوض امری الی الله [illegible]

[illegible] [illegible] و [illegible]

[illegible] [illegible] الله [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و در [illegible] حق او داد [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] او [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء

والله ذو الفضل العظيم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

زمین شمال و زمین [illegible]

[illegible] خلل [illegible]

و بنده مرد بیاد و نشاط و فضل اجل

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این [illegible]

و در نصف شب چهار شنبه و شوال [illegible]

[illegible] جمادی [illegible]

[illegible] در [illegible] و [illegible]

و [illegible] شیخ [illegible] قدس الله سره [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] شد [illegible]

[illegible] کدام [illegible] فانی [illegible]

شیخ العالم قدس الله سره [illegible] نظره [illegible]

حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] ۱۱۰۱

[illegible] ذکر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مطلوب [illegible]

مراد کار مطلوب حقیقی نیست رقم ما بسوی الله بردار

و چند [illegible] بشارت [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible] ورد اول

نوشته شد [illegible] از [illegible] مسعود

از ملفوظات حضرت شاه [illegible] ابدال

بدانکه [illegible] و در [illegible] [illegible]

مقصود حاصل کردن [illegible] است از شیخ [illegible] [illegible]

در حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible] چنانچه [illegible] حضرت

شیخ [illegible] قدس سره [illegible] این [illegible]

شیخ [illegible] [illegible] حضرت

شیخ العالم [illegible] مخدوم [illegible] علم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مرید [illegible] حضرت شیخ [illegible] قدس الله سره

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سده دو رمضان [illegible] بعد از

[illegible] شد و دستگاه [illegible]

شیخ الاسلام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

و [illegible]

و حضرت شیخ الاسلام [illegible] توجه [illegible] از

[illegible] حضرت شیخ الاسلام احمد [illegible]

را [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شیخ در ... نواخته بود کرد

سبب پیروزی و رفع ... آن سلسله

بعد ازین حضرت شیخ العالم قدس الله سره

شیخ العالم قدس الله سره چند روز بی طعام روزه نواخته بود

در مجلس سماع چون اوراد ... بجای آن ... محضر ...

دست انداخته صحیح ... رقص کرد ... سبب

پیر ... شیخ ... با حضرت شیخ العالم قدس الله سره فرموده

... امتحان ... حضرت ... [illegible]

... [illegible]

ما محشان ولعی

اللعصنه والدیک

با دو و خلوت نشسته بود با اخلاص تمام

[illegible] نشسته دوازده ولیا یکی جدا [illegible]

[illegible] با حضرت شیخ الاکبر قدس سره نشسته بودند [illegible]

مقصود از رویا [illegible] خدای تعالی است [illegible]

حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره در خانقاه نشسته بود

مجلس [illegible] بود میان [illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام قدس [illegible] گفت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خانقاه [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم

قدس الله سره [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در [illegible]

[illegible] فرزند [illegible]

[illegible] آن حضرت [illegible]

[illegible] سکندر [illegible] از [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] آورد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... [illegible] بود و در زمین [illegible] بسیار [illegible]

چون [illegible] حضرت [illegible] بود [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] که [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] در حضرت [illegible] [illegible]

که حضرت شیخ [illegible] [illegible]

بوده فرزند عم و قریب زاده که را به ... پیشتر بعد شهر جمع بودند

جماعت شیخ زاده و هم عطف بموجب حضرت شیخ العالم قدس سره

و اولاد و احفاد ایشان که ... در پایان ... و جمع

آمدند و جماعت بسیاری هم گذشته که سر او و اولاد ...

فرزند زاده یکی از ایشان ... [illegible]

نشسته اند و حاضر آمدند و معاینه کردند و اهل بیت حضرت

شیخ الاسلام احمد قدس سره روز عید آمدند و فرمودند ... ای

میکنید خلق خواهند گفت که شیخ احمد را ... از ... میکند

آخر فتنه ... قطب الاولیا شیخ الاسلام احمد قدس سره ... بودند

... [illegible] ... و ... [illegible]

فرمودند و اولاد ... عالم او ... تا او ... [illegible]

بر ما مستور نیست که با حضرت [illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام

[illegible] در خانقاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] با حضرت [illegible]

[illegible] کرده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] در حضرت شیخ الاسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام [illegible] 5

[illegible]

[illegible]

آورده اند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دی بهرام از بهر آنچه رقم داری تا تو درست الم بهرام باز
فرموده حضرت شیخ العالم قدس الله سره گفت ...
در خلوت بیعت داری بهرام ... بر ... مرا از دوست ...
... چیزی ... نماند است لطف ... بر دستگیر همه ...
... در هر ... شد است معیت ... است که مرا ...
تا از زمین جهان ... این جهان ... آن بهرام گفته ...
حضرت شیخ العالم قدس الله سره عرض کرد فرمانشد است
بهرام به پیدر خود بگو که از ساختن ... و مطلوب تو چنین
است پس بپیدر آنچه که جای ... بلکه بر ماند ...
... بهرام بر پیدر خود فرمود حضرت شیخ العالم
قدس الله سره گفت ... باز ... نالی ... چهار ...

ملفوظ ... در ... مربع ... رقعه ... البدیع

و در فصلی معقد بعد و عقد مالک

رسید و آن روز بدو آن رسید و از بیت ... ماند شد و ...

همان پیوسته چه خوش ... آنکه در بیت دو ... رد

بر دوست زدی و بار بار القصه بعد از وفات ...

خرقه او حضرت شیخ العالم قدس الله سره آورد

چون خرقه از حضرت پیر دستگیر خود عطا شده بود فرمان

شد این خرقه لایق او را او دفن کنند ... پیر

دستگیر خرقه ... کردند و تا حضرت ... بود

ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله

ذو الفضل العظیم ... در شهر قنوج ...

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مطلب سیاست خود را که هست یا در آمد و جود و هست را بدست

و دیوانه [illegible] دیوانه [illegible] [illegible]

گرد [illegible] تمام [illegible]

در بازار [illegible]

ذکر شیخ المشایخ [illegible] شیخ صدرالدین [illegible]

با [illegible] شیخ [illegible]

شیخ داود مرید و خلیفهٔ شیخ المشایخ قطب [illegible]

شیخ نجم الدین محمود [illegible] شیخ داود و شیخ [illegible]

سجاده و مقام [illegible]

مقام را [illegible]

و خلافت تمام [illegible] شیخ داود [illegible]

نیا بوده الغرض چون شیخ الف ثانی در ارشاد مریدان و احباب سعی

بجهت آنکه عمر آخر شد با میرزا کتابی پسر بدرالدین صفو بود

شیخ بدرالدین امور لها بوده و بنده اجازه کرده و از جهت

باطنی و معقود حقیقی نموده است حضرت شیخ الف ثانی قدس سره

التماس کردند که دو تن از نسبت و دین خواجه در سلسله نامه و

شیخ احمد نسبت باطنی میرزا و بیعت گشته اند ایشان

کرده و حضور رضا ذموم شیخ بدرالدین سجاده پدر نشسته

در علم عقل و نقل دست گرفته و جمیع علمای معقولات در زمانه او

رفته بودند و در آنجا و تصنیف نموده [illegible] و در علم بنا

دانسته و شیخ نجم الدین [illegible] شده بودند اما آن [illegible]

حاضر [illegible] بنده و نفع میبرفت [illegible] از روز [illegible]

شیخ الاسلام کرده‌اند قدس سره را قصد قفا نا زمودند ایشان بیخود

نگاه کنید بنده را در آن ساعت همه بینیم فرزند شیخ نورالدین چه میکنند

و چه کار مشغول است حضرت شیخ العالم قدس الله سره دو

شاگرد دوان بر شیخ نصیرالدین رسیدند و ملاقات کردند

و دیگر نشستند با شیخ نصیرالدین در خواندن کتاب

و سبق آغاز کردند حضرت شیخ العالم قدس الله سره فرمودند

آن نصیرالدین پسر نور که هم میخواند و علم دین

مشغول می‌بود شیخ نصیرالدین شیخ المشایخ شیخ

یاد آورد و ... رفا ... شدند رسید پدر با ... ما

که پدر من در رحلت ما را حوالت آورده بعد و شیخ نصیرالدین

شیخ عظیم تمام پیش حضرت شیخ العالم قدس الله سره و ...

و بار دیگر تمام تشنه شده و لب تشنه [illegible] شده [illegible]

فرمودند شیخ العالم قدس [illegible] آب [illegible] میدانست

[illegible] با حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible] در آب

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

از [illegible] چیزی [illegible] بسته [illegible]

در [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] شده [illegible] پیش شیخ العالم قدس سره [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

آب [illegible] چون [illegible]

آمده [illegible] با حضرت شیخ العالم قدس [illegible]

[illegible] گفت [illegible] معلوم

[illegible] از حضرت شیخ [illegible] و در [illegible] معقول [illegible]

چند [illegible] در تحصیل علم [illegible] با [illegible] حضرت [illegible]

فرزند از این معقود حقیقی [illegible] امروز از دو

شما [illegible] گفتم [illegible] احسن [illegible]

با حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] واصل [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible] چهار بار [illegible]

در خانقاه شیخ [illegible]

چهار بار [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

پسر ایشان [illegible] خواستند [illegible] حضرت [illegible]

به حضرت شیخ العالم قدس سره [illegible] دست [illegible]

آن مقام مشغول شد و خواست تا از [illegible]

[illegible] دست قطب عالم شیخ [illegible] الدین عمر [illegible]

پسر شیخ نجیب حضرت شیخ العالم قدس سره [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible] قطب عالم حضرت شیخ العالم قدس سره [illegible]

[illegible] خواند [illegible] و فایده [illegible] حضرت شیخ العالم

قدس سره [illegible] فرزند [illegible] نجیب [illegible]

[illegible] حضرت

شیخ العلماء [illegible] آمد و کتاب شیخ آورده

شیخ العلماء محمد [illegible] در پیوند و [illegible] بجهت [illegible]

[illegible] قطب عالم شیخ ملت [illegible] شیخ [illegible] داود [illegible]

که [illegible] الصباح خواجه محمد نجیب را در پیوند این [illegible]

دریا [illegible] بر [illegible] پیمانه [illegible] و عجوزه کابل [illegible]

نجیب [illegible] داشت [illegible] در [illegible] زار [illegible]

[illegible] بیاورد [illegible] جواب [illegible]

[illegible] و گفتند [illegible] آن [illegible]

آن [illegible] درویش [illegible] بار از [illegible] ما [illegible]

[illegible] سفید [illegible] بازگشت [illegible]

[illegible] نجبا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

وقت [illegible]

در [illegible] حضرت شیخ الاسلام [illegible] 45

شیخ عبدالله [illegible]

[illegible] شیخ عبدالله [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دولت [illegible] واجب [illegible]

در حضرت عالم [illegible] السلطنه [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible] احمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

شیخ جلال الدین [illegible]

[illegible]

مشکل [illegible] علم [illegible] بود

عیسی [illegible] قدر [illegible]

[illegible]

به جوشش [illegible] تنها از اسباب [illegible] و [illegible]

از اسباب [illegible] که تنها [illegible]

[illegible] که [illegible] یا [illegible] و [illegible] گفته

[illegible] شیخ ابن [illegible] عبدالله [illegible]

[illegible] و [illegible] چهارم [illegible]

[illegible] بعضی [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] شمس [illegible] آنچه از [illegible]

[illegible] العالم [illegible] الله [illegible]

[illegible] این سال که عالم [illegible]

[illegible] که [illegible] شیخ نصیرالدین را [illegible] خود

[illegible] روز [illegible] می‌باشد

وقتی [illegible] وفات کرد و [illegible] شیخ نصیرالدین در

[illegible] حضرت شیخ [illegible] قدس الله سره [illegible] این را

از عالم [illegible] شیخ نصیرالدین [illegible] بودند [illegible]

را [illegible] حضرت شیخ [illegible] قدس سره [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] قدس سره [illegible]

آن [illegible] حضرت شیخ [illegible] قدس سره [illegible]

[illegible] در ملک هند [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] داد [illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] رسیده و [illegible]

بعده وزیر علی پاشا [illegible] شیخ [illegible] بو [illegible]

حضرت شیخ [illegible] قدس الله سره [illegible]

[illegible] شیخ العالم قدس سره [illegible]

[illegible]

[illegible]

انکا [illegible] حضرت شیخ العالم قدس [illegible]

انداخته [illegible]

[illegible]

[illegible]

زبده شریعت و آمر ...

... حضرت شیخ العالم قدس الله سره ...

... صباح ... [illegible] ... و ... [illegible]

پیاده ... بخدمت حضرت شیخ العالم ... [illegible]

و ... حضرت شیخ ... قدس سره ضعیف

... [illegible] ...

... محمد ... [illegible] ...

... حضرت شیخ العالم قدس الله سره ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

[illegible] آستانه قدس [illegible]

[illegible] از روی [illegible]

[illegible] روز ملاقات [illegible] بر در [illegible]

[illegible] بر در [illegible] نه چیز

[illegible] ما بود [illegible] تا بشنید [illegible]

[illegible] بود [illegible] مرا [illegible]

[illegible] با [illegible] کار [illegible] ما

[illegible] خدا [illegible] بنده [illegible]

از حضرت [illegible] قدس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت

[illegible]

فرمود [illegible] حضور [illegible]

[illegible] فرمود [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

و کلمه [illegible]

[illegible]

و یاران [illegible]

[illegible]

[illegible] ... بحضرت ... العلیا

قدرت ... [illegible] ... ظاهر [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... بازو [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] یکان یکان ... روشکان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ابو سعید [illegible] گفت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آب [illegible] گفت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible] است

[illegible]

[illegible]

مجلس عالی مذکور نموده و جواب [illegible]

[illegible] این حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

و در [illegible] السلطنت [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible] مجلس عالی

[illegible] است

[illegible]

[illegible] خدمت شیخ

[illegible] شیخ [illegible] ما

[illegible] ما [illegible] شیخ [illegible] شد [illegible]

[illegible]

[illegible] این شیخ [illegible] رفت و شب [illegible] مجلس ما

[illegible] شیخ [illegible] حضرت شیخ الکامل [illegible] قدس الله سره

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عزیزم پیش ... شیخ ... بحکم الکلام قدر ... سره

بر سر ... ایں ... و ... فنا ...

ایں با شیخ فخر الدین با کرد و ... شیخ الی ...

شعر ... را ایں بیا ... در ... کند ...

بہ ہمیں است کہ تو ... شعر ... از ما ...

قدس الله سره ... و ... و ...

بگوید کہ مجلس علما ... کرد ... مجلس ...

و در ... تا قدام ... و در ... شیخ فخر الدین

گفت ایں مجلس را احضر ... الله ... درویش

لقب ... و ...

چه ... مجلس ... گفت ... شیخ ... الدین ...

[illegible] عاشق [illegible] کرده [illegible] و [illegible] آورده

و ساعتی [illegible] برادر [illegible] شیخ [illegible] گفته [illegible]

[illegible] شیخ الکامل قدس الله سره [illegible] بشارت [illegible] و مجلس [illegible]

[illegible] آورد و در حضرت شیخ العالم قدس سره

شاد و [illegible] نقره [illegible] و گفت [illegible]

[illegible] حضرت شیخ الکامل [illegible] قدس سره

[illegible] شیخ العالم قدس الله سره آمد

حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] گفت

[illegible]

نقل است که [illegible] بی [illegible] شد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ العالم

قدس سره [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] العالم [illegible]

[illegible]

نامه [illegible] که [illegible] شیخ [illegible] ما [illegible]

[illegible] ما [illegible]

[illegible] پیش [illegible] تا [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

ما ملک [illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] شیخ العالم [illegible]

طالب [illegible]

در طلب [illegible]

و همکار بجای او جمعه [illegible] حضرت [illegible] الله سره و او [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible]

در حضرت شیخ العالم قدس الله سره در مسجد [illegible] اول [illegible]

رفتند و نماز [illegible] دست خود [illegible] [illegible] با [illegible]

[illegible] در مسجد جامع [illegible] نماز [illegible] [illegible] رفتند

مسجد جامع که [illegible] حضرت شیخ العالم قدس

[illegible] شیخ [illegible] [illegible] [illegible]

با حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible] [illegible]

[illegible] آن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] بود [illegible] [illegible] [illegible] شیخ

المشایخ حضرت [illegible] قدس الله سره [illegible]

و معتقدات حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

[illegible] بر او [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

مرید [illegible] حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره [illegible] حضرت شیخ العالم

[illegible] [illegible] [illegible] آورده [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و مستغرق آن می [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] قبر حضرت

شیخ العالم قدس الله سره و [illegible] [illegible] صاحب [illegible] آنحضرت سر [illegible]

می [illegible] و سجده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

من تخلف [illegible] [illegible] الکل اتفاق المذاهب

اختلفوا فی سجود الشکر فقال ابو حنیفه

ابو حنيفة رضي الله عنه و مالك لا يليه

و الاولى ان يقتصر على [illegible] و الله اعلم ما

[illegible] مالك و قال الشافعي و احمد [illegible] هو

[illegible] و در بعض احکام [illegible]

[illegible] شیخ العالم [illegible]

[illegible]

عالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ العالم [illegible]

[illegible] از حضرت شیخ الاسلام [illegible] بود [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره [illegible]

چیز دیگر [illegible] و منقول است از حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره [illegible]

[illegible]

دانست [illegible] حضرت شیخ الاسلام قدس الله سره فرمودند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible] قدس الله سره [illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

گرچه در زمان [illegible] سخن شد آنگاه [illegible] او را [illegible] بسیار

شده بود از قبیل [illegible] حضرت [illegible] شیخ [illegible]

شیخ بود [illegible] آورد و [illegible] جامه [illegible] فرمودند شیخ بود [illegible]

خانقاه آمده بطلب [illegible] یار را مرید [illegible] دیگر بر [illegible] شیخ مقرر

شیخ الاسلام قدس الله سره آورد حضرت شیخ العالم قدس سره [illegible]

درست [illegible] شیخ نشسته بود [illegible] فرمودند [illegible]

[illegible] تا بیکبار [illegible] خدمت [illegible] بود [illegible] کشیده بر [illegible] است

[illegible] شیخ [illegible] شب و روز [illegible] دو دور

آن [illegible] پوست [illegible] و مسکه [illegible] [illegible]

[illegible] پیش حضرت شیخ العالم قدس سره آمده [illegible]

[illegible] حضرت شیخ العالم قدس سره [illegible]

بسته مبانی و چشم ها از چشم ها ... و ... [illegible]

پیر سید ... بشنید در آن ... [illegible] راز ... [illegible]

شنید که در کوهسار ... ما ... [illegible] ... که در روز

در خانه شده فرود دیدار ... [illegible] ... [illegible]

در خانه ... در آمد ... کل خورد ... [illegible]

شیخ ... قیصر ... شد ... یاد آمد ... [illegible]

خانه ما ... [illegible] ... سید ... دو ... در ... [illegible]

بگیرد ... چه طرف ... [illegible]

و ... شیخ جمال الدین ... [illegible]

... اسلام ذکر ... جار ... [illegible] ... در ... [illegible]

... [illegible] ... سید زین الدین منقطع ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسر آورده [illegible] از ان حقیقت [illegible] چنانکه بوده [illegible]

[illegible] و [illegible] و از حضرت [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] مسند ارشاد [illegible] ملزم [illegible] حضرت شیخ رضی الله [illegible]

[illegible] وقت [illegible] آمده [illegible] اعتقاد [illegible]

قاضی [illegible] مولانا امیر محمد حضرت [illegible]

آمده [illegible] محمد [illegible] حضرت [illegible]

از [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

حضرت شیخ عارف [illegible]

[illegible] میر محمد [illegible] قاضی رضی [illegible]

[illegible] حضرت شیخ الاسلام [illegible]

آنست ... [illegible] ... حضرت شیخ ... قدس سره

بود و در حالت ... [illegible]

علیه ... [illegible]

الله سره ... پسری صغیر ... [illegible]

و در روضه حضرت شیخ العالم قدس الله سره ... [illegible]

... [illegible] ... بعد از ... [illegible]

نقل است که حضرت شیخ العالم قدس الله سره ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... حضرت شیخ

العالم قدس الله سره عاشق ... [illegible]

عاشقان [illegible] مشتاقان [illegible] و [illegible] همچنان [illegible]

[illegible] ما [illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

شما عاشقان [illegible] اند که [illegible] ند [illegible]

را در این [illegible] ما آمده اید از پایه اعتقاد و صدق [illegible]

و [illegible] ما و [illegible] دوست [illegible] این [illegible] ما [illegible]

حضور [illegible] در حسنات [illegible] ما [illegible]

عالم [illegible] این [illegible] قدم صدق [illegible]

و در طلب حق [illegible] ما و [illegible] او را [illegible] که [illegible]

و [illegible] مطلوب [illegible] چنانچه او را [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible]

و دیگر [illegible] که در روز [illegible] ساله [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

همه [illegible] خرابات یا ارباب [illegible]

[illegible] کلمات ثابت

[illegible]

وجه [illegible] نقل [illegible] این [illegible] زبان

[illegible] السلام [illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible] آورده [illegible] آن

[illegible] آوردند [illegible]

[illegible] زمین [illegible]

[illegible] محمد [illegible] علیه وسلم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این [illegible] حضرت [illegible]

و از حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و در سنه [illegible] در صد و [illegible] در رسائل [illegible]

[illegible]

این مرید در عالم [illegible] و اسماء [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... دار سليم ... اخوانه

... ماء ... ومر ...

... الا ... كان ... اذ نزل الحوت . فول لهم ...

لانه كان الليل الذي الاخر نصرت عليا ...

مشابه ... ما يضرب من الدليل فيه

هذه الذكر ... الا ... ما ...

فمن جعل الله ... عليه ما لا ...

الا مور الله ... والساجد ثلثه امر ...

... نعرت خفي منها ذ الدعو خفي ...

د ... لا ... يعلمون الا ... نصر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] اطلاع [illegible]

[illegible] از عالم غیب [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] شیخ الاسلام [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] شیخ العالم [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] از کینه [illegible]

[illegible] علما و فضلا و دنیا [illegible] ایران

[illegible] [illegible] [illegible]

ابتد[illegible] [illegible]

[illegible] پیش عشق [illegible]

قصه [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

دهان گشت [illegible] کام بهار از [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] الا [illegible] [illegible]

ناگاه [illegible] از عالم [illegible] [illegible]

روانه [illegible] [illegible] [illegible]

با آزرده عشق [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

تمام شد [illegible] کتاب

والله اعلم [illegible]

این صحیفه [illegible] صمد

[illegible] تاریخ این صحیفه

[illegible] سنه [illegible]

[illegible] و در یا خانه [illegible] از شهابه [illegible] مقدار

[illegible] عالم [illegible] جنان [illegible]

[illegible] عالم [illegible] دریا [illegible] قلزم [illegible]

[illegible] و از [illegible] حضرت شیخ العالم [illegible]

[illegible] آمد [illegible]

... محمد ...

و حضرت شیخ احمد ...

... فقیر ... در ...

و این فقیر در عالم ...

کرده ... و ... خوابی ... بود ...

بودی که ... از ...

در از خواب غفلت ...

زین فقیر با حضرت ... قدس ... شده در عالم ...

و بیعت ... حضرت شیخ العالم قدس ...

حضرت شیخ محمد ... شده و بیعت کرده و ...

[illegible]

[illegible]

حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] با صدق و اخلاص [illegible] لیس الخبر کالمعاینه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الله [illegible]

[illegible] رسیده [illegible]

[illegible]

[illegible]

است [illegible]

بجان [illegible]

بعد و دعا [illegible]

[illegible] عبد الرحمن [illegible] بعد [illegible]

حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible]

حضرت شیخ العالم قدس الله سره [illegible] که [illegible] می‌خوانند و در [illegible]

[illegible] عمل [illegible] می‌کنند تا به مقصود [illegible] شیخ الاسلام [illegible]

[illegible] میرزا محمد [illegible] ما خواندیم [illegible]

[illegible] با حضرت شیخ [illegible] قدس الله سره [illegible]

[illegible] میرزا محمد [illegible] شیخ العالم قدس الله سره [illegible] حضرت

[illegible]

برو ... یاد الله [illegible]

حاصل ... [illegible]

مقطع نور و مقصد ... و فی ... [illegible]

حضرت شیخ الکل ... قدس سره

در بیان ... حضرت شیخ الکل ... قدس سره ... [illegible]

... [illegible] ... باشند با و ابدی ... [illegible]

با ... [illegible] ... مقصد ... [illegible]

... مقصد ... [illegible] ... فضل

خوبی ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] الشیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

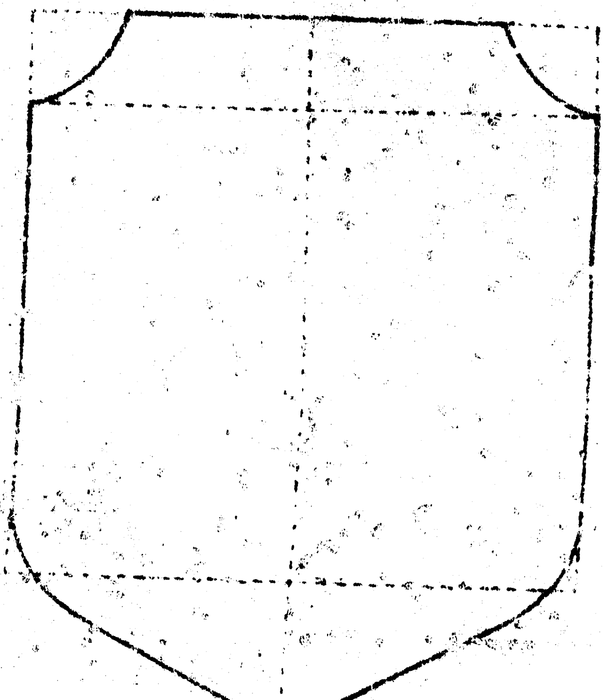
[illegible]

[illegible]

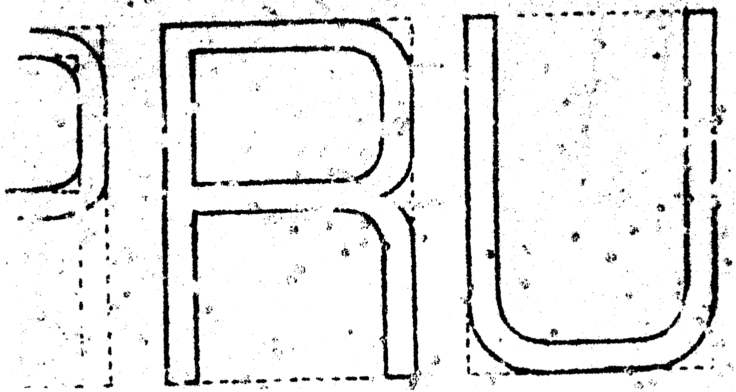
[illegible]

[illegible]

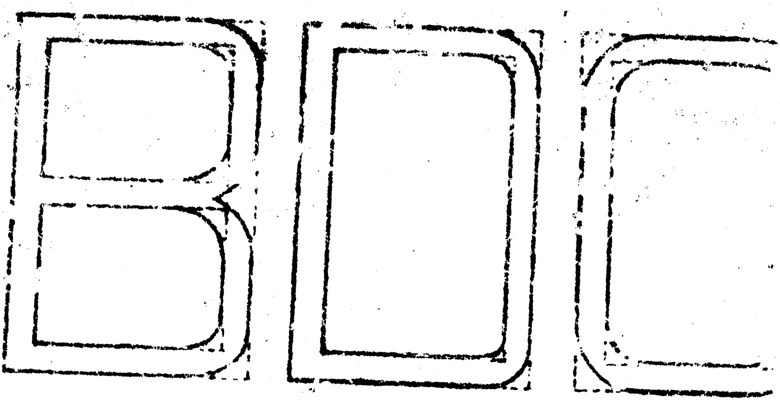
दूसरी शक्ल के लिए पहले मुस्तत़ील [illegible] बनाओ । [illegible] कर पहली शक्ल की तरह बनाओ ।



[illegible] لکیروں کا [illegible]



[illegible] शाहम की मदा, पुस्तकाकार लम्बीर का [illegible] बनाकर उकाई अंगरेजी
[illegible] बनाओ ।



[illegible] کی طرح [illegible] پر [illegible] میرے [illegible] لکیریں [illegible] کے [illegible]